



گروه بین الملل
خبرگزاری تسنیم

جنگ ۳۳ روزه، ۹ سال بعد ...



نقشه خام صهیونیست ها

رژیم صهیونیستی در این جنگ را فاش کرد. به گزارش پایگاه خبری الانتقادت، مرکز فرانسوی «محور منطق» **«axis of logic»** که در ایالت ماساچوست آمریکا فعالیت می کند، خلاصه نسخه ای از گزارش سری خود درباره جنگ ۳۳ روزه را به همراه تصاویر و نقشه های رسمی روی خروجی پایگاه اینترنتی خود قرار داده است. این گزارش به آمار خیره کننده تلفات و خسارات رژیم صهیونیستی در جریان این جنگ اشاره می کند و سانسور خبری شدید این رژیم را در انتشار اخبار تلفات نیروهای خودی برملا می نماید.

رأبه سران سیاسی و نظامی از دست داده بودند. طبق یک نظرسنجی پس از جنگ، محبوبیت اولمرت از ۷۸ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافت و پرنس نیز اوضاع بدتری داشت. همچنین پایگاه اجتماعی احزاب حاضر در کابینه به شدت کاهش یافت. به روایت اسناد محرمانه و رسمی فرانسه ابعاد گسترده خسارات صهیونیست ها در جنگ ۳۳ روزه مشخص شد یک مرکز فرانسوی با انتشار گزارشی رسمی از دولت فرانسه که در ۳۰۰ صفحه منتشر شد ابعاد جدید و محرمانه ای از اسرار جنگ ۳۳ روزه و خسارات خیره کننده

تا موضع افکار عمومی جامعه را با اهداف خود همسو سازند. اما به تدریج و با افزایش کشتار لبنانی های غیر نظامی و بی دفاع و تخریب گسترده زیرساخت های لبنان، جامعه اسرائیل به این نتیجه رسید که این جنگ، بدون هدف در حال توسعه و تطویل است و از این زمان اعتراضات سازمان یافت و مخالفت ها در شکل تظاهرات و تجمعات از تعداد چند ده نفره به چند نفره و چند هزار نفره رسید. اسرائیلی ها در تظاهرات خود خواستار اتمام جنگ و پایان وضعیت فوق العاده بویژه در اراضی شمالی می شدند. آنان اعتماد خود

هاست- را در بیروت دیدار خواهیم کرد. بر این اساس همه منتظر اقدام سیدحسن نصراله بودند. عملیات چریکهای حزب الله در نوار مرزی به انهدام سه دستگاه تانک و نفربر صهیونیست های، کشته شدن ۱۲ نفر از نظامیان صهیونیست و اسارت سه تن انجامید که البته یکی از آنان در بین راه فرار کرد. اگر مواضع جامعه اسرائیل در قبال حمله به لبنان طی جنگ ۳۳ روزه به دقت بررسی شود این نتیجه حاصل می شود که در روزهای آغازین جنگ، سران رژیم اسرائیل با استناد به اسارت دو سرباز خود توسط حزب الله، موفق شدند

توطئه ای در کار است، برای «تست وضعیت» یک عملیات محدود را در مرز بین لبنان و فلسطین اشغالی (در نزدیکی روستای لبنانی عیتا الشعب) به اجرا گذاشت. سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان از حدود ۵ ماه قبل از آغاز جنگ در پاسخ به واکنش گستاخانه مقامات صهیونیست های به درخواست آزادی اسرای باقی مانده لبنانی -برمنای توافق دو جانبه که دو سال قبل از آن با پادرمیانی آلمان به امضاء رسیده بود- اعلام کرد که «ما به زودی سمیر قنطار- اسیر دروزی لبنان که از سال ۱۳۶۰ تاکنون در زندانهای صهیونیست

خبرگزاری تسنیم: سال ۲۰۰۶ بود که نظامیان صهیونیست ، پا را از گلیم شان درازتر کردند و به حریم لبنان، یورش بردند. روزهای اول، فکر می کنند که می توانند مناطقی از سرزمین مقاومت را به چنگ بیاورند اما آنها کور خوانده بودند. این جنگ که در بین لبنانی ها به «نبرد تموز» شهرت یافته براساس یک «نقشه جامع» که توسط آمریکا، انگلیس، فرانسه، رژیم صهیونیستی، مصر، اردن، عربستان و احزاب شاخص طیف ۱۴ مارس لبنان طراحی شده بود، به اجرا درآمد. در همان حال حزب الله که به فراست دریافته بود



گولی که گولانی به صهیونیست ها زد!

گولانی نامی بزرگ برای ساکنان اسرائیل است این نام نشانگر زبده ترین جنگجویان ارتش اسرائیل است یکی از تیپ های کوماندویی معروف اسرائیل که این رژیم تبلیغ بسیاری روی آن انجام می دهد، تیپ معروف گولا نی است که به ادعای مقامات اسرائیلی، هر نظامی عضو این تیپ برابر با ۱۳ نظامی معمولی توان دارد. هنگامی که در جریان جنگ ۳۳ روزه ارتش اسرائیل

با بن بست نفوذ به داخل لبنان مواجه شد، از این تیپ کمک گرفت و چند گردان آن راهی مرزهای شمالی فلسطین اشغالی شدند. نظامیان متکبر این تیپ هنگامی که به سمت خاک لبنان حرکت می کردند در برابر دوربین های تلویزیونی به گونه ای حرکت می کردند که گویی تا ساعتی دیگر سرنوشت جنگ رقم خواهد خورد. اما تنها باید ساعتی صبر می کردی تا صدای

گریه این نخبه های نظامی را می شنیدی و نحوه بازگشت آنها را از منطقه جنگی مشاهده می کردی. آنچه دوربین های تلویزیونی آن روزها نشان دادند از هم پاشیدن سازمان رزم این تیپ کارکشته اسرائیلی در برابر رزمندگان لبنانی بود. این تیپ در نبردهای سنگین با نیروهای مقاومت در چند منطقه مرزی از جمله مرکبا، عیتاالشعب، مارون الراس، بنت جبیل و الطیبه جنگید و در

تمام این مناطق متحمل شکست شد. نبرد سنگین رزمندگان مقاومت با این نظامیان در آن روزها باعث اعتراف فرماندهان نظامی این تیپ به قدرت جنگی لبنانی ها شد. یوئاف مرداخای از فرماندهان تیپ گولا نی گفت: باید اعتراف کنم که نیروهای حزب الله قهرمانانه می جنگند. نیروهای حزب الله در روستای مرکبا در بخش غربی مرز جنوب لبنان نبردی شجاعانه

به نمایش گذاشتند و با مهارت جنگیدند. البته این تمام ماجرا نبود، هنگامی که نیروهای تیپ گولا نی با حمایت تانک ها و آتش توپخانه و حمایت هوایی برای تصرف بنت جبیل حرکت کردند، روزهای سختی را در پیش داشتند. در نبرد بنت جبیل ۳۵ تن از این نظامیان کشته و ده ها تن از آنها زخمی شدند. گردانی که عازم نبرد در این منطقه بود به گفته شاهدان

عینی تنها با چند ده تن رزمنده لبنانی مواجه شد. این تیپ سه بار تلاش کرد تا شهر بنت جبیل را که به گفته آنها پایتخت حزب الله بود، تصرف کند، اما هر بار که دست به حمله می زد چاره ای جز عقب نشینی و فرار از مهلکه نداشت. به گفته برخی از فرماندهان این تیپ ضرباتی که در جنگ ۳۳ روزه بر پیکر آنها وارد شد هنوز هم بازسازی نشده است.



پایان افسانه تانک‌های مرکاوا

ارتش عبری از ابتدای تاسیس رژیم صهیونیستی که از آن به عنوان ارتش دفاعی! یاد می‌کنند همیشه در پی آن بوده تا بتواند به نوعی خود کفایی در تولید جنگ افزار برسد و در این راه موفقیت‌های بسیاری هم به دست آورده که بیشتر آنها به تکیه بر جاسوسی از صنایع نظامی غرب و آمریکا بوده است. این رژیم در دزدیدن طرح‌های نظامی دست بلندی دارد، به گونه‌ای که هواپیمای کفیر ساخت این رژیم با دزدیدن نقشه‌های جنگنده میراژ ۵ فرانسه از کارخانه سوئیسی ساخته شد. یکی از طرح‌هایی که ارتش اسرائیل بسیار روی آن مانور می‌داد و از آن به عنوان دژ آهنین یاد می‌کرد، تانک میرکاوا بود که از ابتدای طراحی

خود پس از جنگ رمضان ۱۹۷۳ تا جنگ ۳۳ روزه ۴ مدل مختلف آن ساخته شد که آخرین آن میرکاوا ۴ بود. ارتش اسرائیل برای این تانک تبلیغات زیادی انجام داد و قرار بود که تعداد بسیاری از آنها را هم به کشورهای مختلف بفروشد که این طرح با جنگ ۳۳ روزه عملاً به بوته فراموشی سپرده شد. در این جنگ بنابر برخی از آمارهای موجود ۹۵ تانک اسرائیلی هدف قرار گرفت که ۶۵ عدد آن از نوع میرکاوا ۴ بود. گروهی از این تانک‌ها در واپسین روزهای نبرد در بنت جبیل و تپه مسعود شکار موشک‌های بسیار دقیق و قدرتمند کورنت شدند تا به این ترتیب افسانه‌ای بنام میرکاوا به پایان برسد و کشورهای خریدار

نیز از خرید آن صرف نظر کنند که در این میان آمریکایی‌ها هم قرار داشتند. این نیز بعد دیگر شکست برای اسرائیلی‌ها بود. پس از پایان جنگ بود که صنایع نظامی اسرائیل روی تانکی دیگر کار کرد تا این بار موشک کورنت نتواند آن را مورد هدف قرار دهد، نام این تانک که تصویری از آن منتشر نشده است را ببر گذاشته‌اند! شبکه الجزیره انگلیسی در این گزارش خود با اشاره به اینکه امروزه بحث‌های جدی درباره ادامه کار یا عدم وجود دارد، یادآور شده که این پروژه از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز و هزینه‌های هنگفتی با کمک آمریکا برای آن صرف شده است. الجزیره

همچنین تاکید کرد که مرکاوا دیگری توان تامین امنیت برای اسرائیلی‌ها را ندارد. بر اساس گزارش این شبکه، مهمترین ویژگی تانک مرکاوا طراحی بسیار پیشرفته آن با استفاده از آلیاژی مخفی است، که تصور می‌شد مانع انهدام تانک به وسیله هر گونه موشک ضد تانک و آر.پی. جی شود، اما در تهاجم سال ۲۰۰۶ اسرائیل به لبنان، حزب الله لبنان توانست با کمک موشک‌های ضد تانک، به ده‌ها تانک مرکاوا آسیب برساند که در نتیجه باعث کشته شدن ده‌ها نظامی صهیونیست و زخمی شدن صدها تن دیگر شد که این رویداد تردیدهای بسیاری در مورد توان این تانک را برانگیخت و به خوبی نقاط ضعف این وسیله

برای حفظ سرنشینان خود و همچنین عدم توانایی آن برای درگیری‌های مختلف روشن شد. در پی روشن شدن این مسئله بحث‌های زیادی در داخل اسرائیل در خصوص ادامه تولید و یا عدم تولید آن در بین کارشناسان و تحلیلگران نظامی بروز کرد. «ریوون پداتزور» (Reuven Pedatzur) تحلیلگر کالج نتانیا در خصوص ناکارآمدی این تانک‌ها اظهار داشته است: تانک‌ها برای استفاده علیه انسان‌ها و همچنین علیه گروه‌های چریکی که در بوته زارها کمین کرده و منتظر هستند ساخته نشده‌اند، اگر شما می‌خواهید از تانک استفاده کنید باید آن را برای مقابله با تانک‌ها مورد استفاده قرار دهید و

این تنها شیوه برای موفقیت به شمار می‌رود. الجزیره در ادامه گزارش خود آورده است: حامیان ادامه پروژه مرکاوا به این دلیل از تولید آن حمایت می‌کنند که خواهان وابستگی اسرائیل در تولید تانک به هیچ کشوری حتی نزدیک‌ترین متحد خود یعنی آمریکا نیستند. این حامیان بر این باورند که مرکاوا اساسی‌ترین و جوهری‌ترین بخش توپخانه اسرائیل باقی می‌ماند. «اوری میلشتاین» مورخ اسرائیلی در این باره اشاره کرده است: آمریکا پیشنهاد داد تا به ما تانک آبراهام بفروشد، اما وزارت دفاع اسرائیل این پیشنهاد را رد کرد و تصمیم گرفت تا به جای آن سرمایه‌گذاری در مرکاوا را ادامه دهد.

خسارت‌های اقتصادی جنگ در لبنان



تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان خسارت‌های فراوانی را بر اقتصاد لبنان در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی وارد ساخت. تا قبل از آغاز جنگ‌های داخلی در سال ۱۹۷۵، لبنان یکی از قوی‌ترین اقتصادهای خاورمیانه محسوب می‌شد. اقتصاد لبنان، شامل بخش بزرگ خدمات، بخش صنعتی در حال رشد و بخش کوچک کشاورزی بود. در آن زمان بیروت به مرکز بانکی و تجاری منطقه تبدیل شده بود و با تحولات نفتی در سال

۱۹۷۳ اقتصاد این کشور شاهد پیشرفت بیش از پیش در بخش‌های مختلف شد. در این مقطع، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در لبنان، اقتصاد این کشور را وارد دوره جدیدی از پیشرفت و توسعه قرار داده بود اما آغاز جنگ‌های داخلی و حمله رژیم صهیونیستی، نقطه پایان اوج قدرت اقتصادی لبنان شد. بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ میلادی، اقتصاد این کشور متحمل صدمات زیادی از سوی اسرائیل شد و اشغال جنوب این کشور بین سال‌های

۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ میلادی تضعیف لبنان را دو چندان ساخت. تهاجم اسرائیل به لبنان در مقطع مذکور موجب شد که تولید ملی لبنان به نصف کاهش یافته و بخش عمده‌ای از فعالیت‌های خدماتی لبنان به خارج از مرزهای این کشور منتقل شوند و خسارت‌های فراوانی بر بخش‌های کشاورزی و صنعتی لبنان وارد آمد. جنگ ۳۳ روزه خسارت‌های گسترده‌ای را به تاسیسات زیربنایی لبنان وارد کرد. این جنگ باعث فرار هزاران

جهانگرد عرب و اروپایی از این کشور و موجب بیکاری هزاران نفر در لبنان شد. دولت لبنان پیش‌بینی کرده بود که در سال جاری ۱/۶ میلیون گردشگر از لبنان دیدن کنند. جهانگردی حدود ۱۵ درصد از درآمد اقتصادی لبنان را به خود اختصاص می‌دهد و درآمد پیش‌بینی شده دولت از این بخش ۵۲ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۶ اعلام شده بود که به دلیل وقوع جنگ محقق نشد. در بخش صنعت نیز انهدام یا از کار افتادن بیش از ۹۵

درصد کارخانجات لبنان، ضربه بزرگی به صنعتگران لبنانی وارد کرد. این کارخانجات عمدتاً شامل کارخانه‌های تولید فرش، وسایل و مواد پزشکی، پارچه بافی، کاغذسازی و لبنیات بودند. بخش تجارت لبنان به دلیل تهاجم گسترده هوایی اسرائیل، با رکود جدی مواجه شد. هر چند که بانک مرکزی لبنان توانست در طول جنگ، با کمک یک میلیارد دلاری عربستان و نیز کمک ۵۰۰ میلیون دلاری کویت ارزش نرخ ارز خود را ثابت نگه دارد

اما به دلیل بدهی‌های زیاد این کشور که مبلغی بالغ بر ۷۳۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، این کمک‌ها هرچند به صورت بلاعوض باشد، نخواهد توانست چشم‌انداز روشنی را برای اقتصاد این کشور در آینده نزدیک ترسیم کند. در بخش کشاورزی، تولیدات کشاورزی لبنان به علت بمباران‌های مستمر اسرائیل از بین رفته و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بخش کشاورزی به ویژه در منطقه حاصلخیز بقاع وارد شده است.